



**عقب نشیمنی نمی کنیم**  
سخنرانی **نعیم قاسم** معاون دبیر کل حزب الله لبنان درباره ادامه زاه بین از سید حسن نصر الله



**پشت رانندگان خالی شد**  
بررسی اعتراضات مکرر صاحبان تاکسی های برقی پس از تبلیغات سیاسی شهردار تهران



**واقعیت یا خیال؟**  
گفتاری از **مازیار اسلامی** درباره چندی چون مفهوم سینمای ملی



**سهم یک درصدی از دریا**  
بررسی جایگاه توسعه دریامحور در اقتصاد ایران در پی انتصاب علی عبدالعلی زاده

**روایت لبنانی هایی که پس از حملات اسرائیل خانه و کاشانه را رها کرده اند**



گزارش جامعه ۱۲-۱۳

**اعتراض سپاه به لشکر مجازی**  
گزارش سیاست ۴-۵

فضاسازی توئیتری علیه نهادهای مختلف در روزهای اخیر واکنش معاون سیاسی سپاه را برانگیخت

نگاه هم میهن

**صدا و سیما یا ستاد جنگ؟**

عملیات تروریستی اسرائیل در بیروت که به شهادت سیدحسین نصرالله دبیرکل حزب الله لبنان انجامیده، بهانه ای به دست اصول گرایان رادیکال ایرانی داده تا بر رئیس جمهور پزشکیان بشویند و او را به باد انتقاد بگیرند. ربط قضیه چیست؟ به واقع ربطی ندارد ولی آنان می گویند اگر رئیس جمهوری جدید بعد از ترور اسماعیل هنیه رئیس دفتر سیاسی حماس در تهران از صلح نگفته و بر این گزاره تأکید نوززیده بود که «دعوا نداریم» اسرائیل هم گستاخ نمی شد و دست به ترور نصرالله نمی زد. به عبارت دیگر چون گفتیم «اهل جنگ و دعوا نیستیم» و به دنبال صلح و مصالحه ایم» جسور شدند. به طریق اولی معتقد نیستند این ترورها برای آن است که در «تله جنگ» گرفتار شویم و همان فردای ترور هنیه باید با اسرائیل وارد جنگ می شدیم! برخی هم جدای سخنان رسمی و تأیید شده حملات نامستندی را هم به رئیس جمهور پزشکیان منتسب می کنند تا بر غلظت ادعای خود بیفزایند. قصه البته محدود به فعالان سیاسی اصول گرایی رادیکال و نورسیدگانی چون امیرحسین ثانی هم نیست. چون صداوسیما علنا و رسماً به این کارزار پیوسته و روزی نیست که از زبان مجری یا کارشناسی در تقبیح «تله جنگ» نشنویم و در ضرورت پاسخ نظامی که در بطن آن طعنه به رئیس جمهور هم نهفته است. همین دیروز و قبل از خبر ساعت ۱۴ در شبکه اول سیما به بهانه انعکاس صفحات اول و جلد روزنامه ها و به تعبیر بر ساخته مجری جوان - شماره یک روزنامه ها - برخی را برگزیدند و برجسته کردند که از تعبیر «تله جنگ» انتقاد کرده بودند ولو چندان هم شناخته شده نبوده تا در واقع حرف خود را از زبان آنان مطرح کنند و طبعاً روی تیتراژ کیهان بیشتر درنگ کردند که اشاره مستقیم داشت و صراحتاً خواستار حمله نظامی بود. این رفتارها در حالی است که به موجب اصل ۱۷۶ قانون اساسی ریاست شورای عالی امنیت ملی با رئیس جمهوری است که با وظایفی چون تعیین «سیاست های دفاعی - امنیتی کشور در محدوده سیاست های کلی تعیین شده از طرف مقام رهبری - تشکیل می شود و اعضای آن عبارتند از: ۱ و ۲ و ۳: رئیس اسبق قوه. ۴ و ۵: دو نماینده رهبری. ۶: رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح. ۷ و ۸ و ۹: وزیران خارجه و اطلاعات و کشور و ۱۰: رئیس برنامه بودجه. ۱۱»



**مهررداد خدیر**  
معاون سردبیر

**بررسی واکنش ها به اظهارات رئیس جمهور درباره وعده آمریکایی ها برای آتش بس که محقق نشد**

گزارش دیپلماسی ۲-۳

# از همنسایه تا نصرالله

صداق زیبا کلام / استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران

تندرها به جای پذیرش این واقعیت که شعارهای ما مبنی بر نابودی اسرائیل و جایگزینی کشور فلسطین به جای اسرائیل خیلی درست و واقع بینانه نبوده، انگشت اتهام را به سمت ظریف و پزشکیان می گیرند. می گویند که ما می خواستیم انتقام اسماعیل هنیه را بگیریم ولی آقای پزشکیان مانع شد و گفت اجازه بدهید ما می خواهیم مصالحه کنیم. یا مثلاً تصور می کنند که پزشکیان گفته من تازه رئیس جمهور شدم، آقای ظریف گفته من به آمریکا امیدوار شدم و صحبت هایی از این دست. معتقدند در نتیجه این چیزها، اسرائیل جری شد و حسن نصرالله را ترور کرد.



**هر دو طرف بازنده اند**  
تحلیل بین الملل ۹ تا ۶

تحلیلگران بین المللی می گویند علیرغم آسیب به حزب الله اسرائیل هم پیروز نهایی نخواهد بود

سرمقاله

**مقطع تغییر معادلات**

همیشه در هر جغرافیایی مواجه با برخی تغییرات و اتفاقات تاریخی هستیم که معادلات حاکم بر رفتارها و تحلیل ها را دچار دگرگونی می کند. برای نمونه، اگر پیش از آن مقطع چندین پیش فرض داشتیم که بر اساس آنها تغییرات جامعه را تحلیل می کردیم؛ پس از این تحولات، ممکن است همه یا بخشی از آن پیش فرض ها تغییر کنند و نباید با اتکا به آنها ماجراها و رویدادها را تحلیل کرد. حتی ممکن است از شرایط مشابه نتایج کاملاً متفاوتی استنتاج کنیم. اتفاقات یک سال اخیر و پس از ۱۷ اکتبر سال گذشته، چند فرض مهم را در منطقه تغییر داده است. پیش فرض اول، تغییر راهبرد اسرائیل در نابودی مقاومت با الگوی قبلی است. برای این هدف، خود تمام مرزهای حقوقی و اخلاقی را رده کرده است و اصولاً تمام سرمایه های نمادین یهودیت را که مبتنی بر هولوکاست بود نابود کرده است. بنابراین همچون هیتلر و حتی بدتر از او معتقد است که حق با کسی است که غلبه کند. هرگاه پیروز شویم کسی آمر جنایات ما را قضاوت نخواهد کرد. این رویکرد هزینه سنگینی برای اسرائیل خواهد داشت و در واقع، نتایج این سرمایه را صرف ماندن خودش در نخست وزیری کرده است. پیش فرض دوم، حمایت بی دریغ و حتی بدون قید و شرط دولت های غربی به ویژه ایالات متحده از اقدامات غیر انسانی و غیر قانونی اسرائیل است. چیزی که در گذشته تا این حد انتظار نمی رفت و گمان بر این بود که غربی ها حداقل به ظاهر هم که شده در این گونه موارد اقدام اعتراضی خواهند کرد. البته، تغییر مرتبط با این مسئله تشدید نگاه منفی مردم جامعه غربی به ویژه جوانان آنجا علیه اسرائیل است. پیش فرض سوم، تحول بزرگ در فن آوری نظامی و اطلاعاتی است که موازنه قوا را حداقل در کوتاه مدت به هم زده است. در واقع، اسرائیل در لبنان و بر خلاف غزه سرایان خود را به میدان نبرد در لبنان نیاورده است و در عین حال، این اندازه خسارت و هشتتاک است. در حالی که در سال ۲۰۰۶ که حزب الله ضعیف تر از حالا بود، بر اسرائیل پیروز شد. هنگامی که این مجموعه مفروضات تغییر می کند، مستلزم تغییر تحلیل و سپس راهبرد طرف مقابل است. از این رو و به احتمال فراوان، حزب الله با تمرکز بیشتر بر ایفای نقش نمایندگی سیاسی شیعیان لبنان قادر خواهد بود که آنان را جمع و جور کرده و برای این کار اغلب رهبران سیاسی آن نیز باتجربه و زنده هستند. لبنان دیر یا زود از این وضع اسفناک و جنگی که موجب آوارگی صدها هزار نفر شده است، خارج خواهد شد. مردم لبنان چندین دهه است که در وضعیت جنگ داخلی و خارجی و بی ثباتی قرار گرفته اند. باید کمک کرد تا روی آرامش را ببینند؛ البته مشروط بر اینکه اسرائیل نیز از شعارهای توسعه طلبانه خود در منطقه و لبنان دست بردارد.